

با سلام

لطفاً خودتان را کامل معرفی بفرمائید.

بنده امیر میرزادی گوهری متولد ۱۳۵۹/۴/۲۷ در شهر کرمان هستم. ورودی سال ۱۳۷۸ مقطع کارشناسی رشته گیاهپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان و ورودی سال ۱۳۸۳ کارشناسی ارشد رشته بیماری شناسی گیاهی با رتبه دوم کشوری دانشگاه تهران هستم، پایان نامه کارشناسی ارشد بنده، بارانمایی دکتر جوان نیکخواه، مشاوره دکتر عباسی و دکتر حجازند در سال ۱۳۸۵ به پایان رسید و در همان زمان بعد از قبولی در بورسیه وزارت علوم، در مرداد سال ۱۳۸۸ به کشور هلند و دانشگاه واخینگن که یکی از بهترین دانشگاهها در رشته کشاورزی و علوم زیستی است رفتم و دوره دکتری را از سال ۲۰۰۹ زیر نظر پروفسور

Gerrit H.J.Kema و پروفسور De.Wit شروع کردم. در سال ۲۰۱۴ بنده از رساله خود دفاع کردم و یک دوره دوساله فوق دکتری را در همین دانشگاه در مورد کنترل بیماری پانامایی موز با همکاری پروفسور Gerrit H.J.Kema انجام دادم و در نهایت از سال ۲۰۱۵ به استخدام دانشگاه تهران درآمدم.

لطفاً اهمیت علم بیماری شناسی و قارچ شناسی گیاهی را در دنیای امروزه برای علاقه مندان بفرمائید.

بنده همیشه کلاس های درس را با یکسری اعداد و ارقام مربوط به علم گیاه پزشکی شروع می کنم تا دانشجویان هرچه بهتر به اهمیت این موضوع پی ببرند. در کتاب آگریوس جلد پنج بیان شده سه عامل مهم حشرات، علف های هرز و عوامل بیماری زا به گیاهان خسارت وارد می کنند که این خسارت ۳۶/۵٪ است که از این مقدار سهم بیماری ها ۱۴/۱٪ است و در واقع نشان دهنده از بین رفتن ۱۴/۱٪ کل محصولات دنیا در اثر این پاتوژن ها است و محاسبه کردند که این ۱۴/۱٪ به لحاظ هزینه ۲۲ میلیارد دلار است. این مقدار در کشورهای خیلی پیشرفته اعداد و ارقام بسیار بالاتری است و در بین این بیمارگرها قارچ ها نقش بسیار مهمی دارند که نیاز به توجه و شناسایی دارند.

لطفاً تخصص و زمینه های پژوهشی خود را تشریح بفرمایید.

درواقع در دوره دکتری زمینه پژوهشی بنده تعامل بین گیاه و پاتوژن بود که این تعامل از نظریه ژن برای ژن پیروی می کند. ما در این پژوهش با یک گروه انگلیسی و فرانسوی در ارتباط بودیم که نهایتاً یک ژن مورد نظر را در گندم شناسایی



کردیم و بعد از مدت زمان طولانی و درگیری افراد زیاد در یک مقاله معتبر و مجله ای بسیار معتبر به چاپ رساندیم.

لطفاً بخشی از نتایج به دست آمده خود را شرح دهید.

کاری که انجام دادیم از سال ۲۰۰۹ شروع شد، دو سال روی موضوعی کار کردیم که می دانستیم به نتیجه ای نخواهیم رسید. در واقع دو سال بیشتر به یادگیری تکنیک های مولکولی صرف شد که تجارب بسیار خوبی کسب کردم؛ و بعد از آن کار اصلی خود را شروع کردم که شناسایی ژن های بیماری زا در این قارچ بود. در واقع می توان گفت از دوره دکتری دو مقاله خیلی خوب در مجله بسیار معتبر *Molecular Plant Pathology* که مجله ای در زمینه علم بیماری شناسی مولکولی گیاهی است که بسیار معتبر و باکیفیت Q1 و ایمپکت تقریباً ۵ است و چند مقاله دیگر در مجله *Fungal Genetic and Biology* با ایمپکت ۳ و کیفیت Q1 به چاپ رساندیم.

دستاورد بزرگ دیگری که بنده به آن افتخار می کنم؛ ۱. چاپ مقاله در مجله بسیار معتبر *Nature Genetics* که دارای ایمپکت ۳۰ و کیفیت Q1 است. ۲. دو مقاله *Review* بارانمایی دکتر Gerrit H.J.Kema و مشاوره دکتر محرابی در مجله *Annual Review of Phytopathology* باکیفیت Q1 و ایمپکت ۱۰ به چاپ رساندیم و ما دومین ایرانی بودیم که توانستیم در این ژورنال یک مقاله *Review* داشته باشیم.

چه عواملی به شما در این موفقیت کمک کرده؟

در وهله اول توجه خدا بوده و دعای خیر پدر و مادر و بعد عوامل و افراد دیگر که در مسیر زندگی بنده قرار گرفتند تأثیر ویژه ای گذاشتند؛ اما «امید» اولین گام است که بدون داشتن



امید هیچ انگیزه‌ای برای آینده نداریم. ۱. امید ۲. داشتن برنامه منظم برای رسیدن به هدف، دو عامل مهم هستند و بعد از آن‌ها داشتن پشتکار. به‌عنوان مثال در ایام ماه مبارک رمضان بعد از سحری در آزمایشگاه مشغول به کار بودیم تا اذان صبح و بعد از آن آزمایشگاه را ترک می‌کردیم.

و در دوره‌ی دکتری بنده به **Hard Worker** لقب گرفته بودم و ایام تعطیل شنبه و یکشنبه هم در آزمایشگاه مشغول به کار بودم.

اطلاعی از هم‌روودی‌های دوره ارشد خود دارید؟

بنده اطلاع دقیقی از آن‌ها ندارم مگر تعداد معدودی از آن‌ها که دکتر فرزانه هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشند. خانم سحر پیغامی در کنترل بیولوژیک در حال حاضر عضو هیئت‌علمی موسسه تحقیقات اوین هستند.

خانم بهار کریمیان عضو هیئت‌علمی تحقیقات نهال و بذر کرج هستند.

در زندگی تصمیم اشتباهی داشتید که آن را تصحیح کنید؟

خیر. خوشبختانه تصمیم اشتباهی نداشتم که پشیمان شوم، مسیری که برای خودم برگزیدم آرزوی هیئت‌علمی شدن دانشگاه تهران بود که در سایه لطف خداوند و تلاش خود به آن رسیدم.

آیا از اینکه به ایران بازگشتید پشیمان نیستید؟

متأسفانه به لحاظ مواد آزمایشگاهی محدودیت‌هایی داریم اما پشیمان نیستم.

برای تقویت زبان انگلیسی چه راهکارهایی داشتید؟

در مورد زبان انگلیسی برای ایجاد زمینه یکسری کلاس‌ها را رفتم و بعد تمرین و تکرار بود که ضمن این نکته زبان انگلیسی بنده بسیار ضعیف بود. بعد از بورسیه شدن فرجه شش ماهه به ما دادند تا زمان برای کسب نمره زبان داشته باشیم. من در آن زمان نزد معلم خصوصی زبان انگلیسی را کامل یاد گرفتم و در آن بازه زمانی موفق به کسب نمره قبولی IELTS شدم.

چه توصیه‌ای دارید برای دوستانی که قصد تحصیل در خارج از کشور را دارند؟

باید ابتدا هدف خود را از زندگی مشخص کنند که ابتدا باید بر پژوهشی خوب انجام داده باشند و در یک ژورنال معتبر به چاپ رسانده باشند و بعد در یکسری سایت‌ها جستجو کردن و بالا بردن CV و نمره زبان از شرایط آن‌ها است.

اهل ورزش هستید؟

در دانشگاه واخنینگن مرتب روز یکشنبه‌ها ورزش می‌رفتم و در ایران هم سه روز در هفته این کار را انجام می‌دهم. من فوتبال بازی می‌کردم و دروازه‌بان بودم ضمن این که طرفدار تیم پرسپولیس هستم.

آقای دکتر تا به حال در مورد کارآفرین بودن فکر کرده‌اید؟

کارآفرین بودن موضوع بسیار مهمی است و بنده راجع به آن فکر کرده‌ام و شاید در آینده بتوان کاری را باهمت همکاران و

دیگر دوستان و همچنین دانشجویان انجام داد.

موفقیت را چگونه توصیف می‌کنید؟

به نظر بنده موفقیت زمانی برای من حاصل می‌شود که از خودراضی باشم و به آن برنامه و اهدافی که در زندگی فام تعریف کرده‌ام برسیم با این‌حال موفقیت از دیدگاه هرکسی تعاریف خاصی دارد و تابه‌حال فکر می‌کنم آدم موفق بوده‌ام زیرا به برنامه‌هایی که داشته‌ام رسیده‌ام.

با چه شرایط سختی در دوران تحصیل یا کارتان مواجه شده‌اید و آن را به نتایج

مثبتی تبدیل کرده‌اید؟

بنده با دو تنگنا در زندگی‌ام مواجه شده‌ام که خوشبختانه با مشورت‌هایی که گرفته‌ام توانسته‌ام آن دو مرحله را با سربلندی و موفقیت پشت سر بگذارم.

درواقع در دوره‌ی دکتری زمینه پژوهشی بنده تعامل بین گیاه و پاتوژن بود که این تعامل از نظریه ژن برای ژن پیروی می‌کند. ما در این پژوهش با یک گروه انگلیسی و فرانسوی در ارتباط بودیم که نهایتاً یک ژن موردنظر را در گندم شناسایی کردیم و بعد از مدت‌زمان طولانی و درگیری افراد زیاد در یک مقاله معتبر و مجله‌ی بسیار معتبر به چاپ رساندیم.

اول، سال ۱۳۸۴ و هم‌زمانی قبولی بنده در دوره دکتری دانشگاه تهران و همچنین بورسیه دانشگاه واخنینگن. مشکل اینجا بود که برای پذیرفته شدن کامل بورسیه بنده باید از دکتری دانشگاه تهران انصراف می‌دادم و در آن زمان به دلیل تعریف‌ها و مشکلات گرفتن مکان در دانشگاه مقصد اکثر درخواست‌ها رد می‌شد؛ بنابراین بنده پس از مشورت از دکتری دانشگاه تهران انصراف دادم و به یاری خداوند در بورسیه‌ی دانشگاه واخنینگن پذیرفته شدم.

دوم، با توجه به اینکه دانشگاه واخنینگن بعد از شش ماه ارزیابی را در مورد دانشجویان ورودی جدید خود انجام می‌دهد و اگر کسی در این ارزیابی موفق نشود باید به کشور خود باز می‌گشت و امکان ادامه تحصیل مقدور نبود و با توجه به این‌که ارزیابی بنده مربوط به کارهای مولکولی می‌شد و بنده در ایران کار مولکولی خاصی را انجام نداده بودم و این کار را مشکل‌تر می‌کرد، درنهایت با تلاش خودم و کمک استاد مشاور ایرانی‌ام سختی این کار را نیز پشت سر گذاشتم و ب صورت مثبت ارزیابی شدم و کارم را در دانشگاه واخنینگن ادامه دادم.

در کارتان به چه چیزی بیشتر افتخار می‌کنید؟

این سؤال را از جنبه‌های مختلف می‌توان جواب داد، به لحاظ علمی به تحصیل در دانشگاه واخنینگن که جزو سه دانشگاه برتر جهان است افتخار می‌کنم. به لحاظ زندگی شخصی نیز به قبول شدنم در دانشگاه تهران از یک شهر کوچک در کرمان و از دانشگاه تهران به دانشگاه واخنینگن و همچنین پدر و مادر بزرگوام که همواره مشوق بنده در این مسیر بوده‌اند افتخار می‌کنم.

آقای دکتر حرف آخر...

آرزوی موفقیت و تندرستی برای تمام دانشجویان دارم.

لینک مقاله چاپ‌شده‌ی ایشان در ژورنال Nature Genetics:

<https://www.nature.com/articles/s9-0052-018-41588>

